

آداب و سنت‌های مجالس ترحیم در فرهنگ مردم

نسرین ابوالمعالی‌الحسینی^۱

سوئل ماکویی^۲

چکیده

پیشینه برگزاری مجالس سوگواری، چنان‌که از برخی آثار و نشانه‌ها برمی‌آید، به کهن‌ترین دوران حیات بشر بر روی این کرهٔ خاکی برمی‌گردد. در میان مسلمانان، سابقهٔ شرکت در مراسم سوگواری و برگزاری مجالس ترحیم به دوران صدر اسلام می‌رسد. در دوره‌های مختلف، این مراسم کارکردهای مختلفی داشته است. یکی از کارکردهای آداب و رسوم سوگواری، کمک به خانوادهٔ مصیبت‌دیده است تا ضمن تحمل غم و اندوه از دست دادن عزیزان، دغدغه‌ای برای برگزاری مراسم نداشته باشند. امروزه، این همکاری و تعاون در برگزاری مراسم، کمتر شده و در مقابل، جلوه‌های

۱. n.abolmaali@yahoo.com


۲. makouee@hotmail.com

۱. کارشناسی ادبیات فارسی و پژوهشگر فرهنگ عامه

۲. کارشناسی ارشد سیاستگذاری عمومی و مسائل ایران از دانشگاه تهران

مصرف‌زدگی نمود بیشتری یافته است. برای مطالعه ریشه‌های این رفتار و کاستن از عوارض چنین فرهنگی، ابتدا باید آداب و آیین‌های گذشتگان را مورد بررسی قرار داد. این‌گونه ژرف‌نگری در آداب می‌تواند راهکارهای جدیدی در جامعه ایجاد کند به این ترتیب که فرهنگ تجملاتی غالب را تغییر دهد و روحیه همیاری را جایگزین چنین فرهنگی کند. رسانه با نمایش چنین سنت‌هایی می‌تواند به اشاعه و ترویج فرهنگ صحیح یاری رساند. استفاده از این ویژگی‌ها در برنامه‌های مختلف و تأکید بر این سنت‌ها، به تدریج به درونی کردن این فرهنگ در جامعه می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: آیین سوگواری، مجلس ترحیم، نوعید، خیرات، همیاری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از منظر مردم‌شناسی، مصرف، میزان هزینه‌های صرف شده از سوی افراد جامعه در تولید و اقتصاد است و رابطه تنگاتنگی با فرهنگ و آداب و رسوم آنان دارد. نحوه اجرا و هزینه‌کرد آیین‌ها و مراسم، به ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی جوامع بستگی دارد. در جوامع روستایی که میزان تولید، شکل و چگونگی توزیع و بویژه مصرف را تعیین می‌کند، هزینه‌کرد و مصرف با دقت بیشتری انجام می‌شود. در جوامع سنتی بویژه در گذشته، مصرف تنها ابزاری برای رفع نیاز و گرسنگی نبود بلکه ارزش‌های گوناگونی نظیر کمک به هم‌نوعان، مهمان‌نوازی، برگزاری آیین‌ها و سایر ویژگی‌ها را در خود داشت. در چنین شرایطی، مصرف به معنای صرف استفاده از مواد در دسترس برای رفع نیاز نبود بلکه امری معنوی و فرامادی محسوب می‌شد. به نظر می‌رسد، برخورداری از چنین ویژگی‌هایی موجب آرامش بیشتر افراد جوامع و مانع از سودجویی و حرص برای مصرف بیشتر (و تجملی) می‌شود. این آرامش، حلقه مفقوده زندگی امروز است. انسان امروزی با وجود برخورداری از آسایش، احساس آرامش نمی‌کند و با انواع دغدغه‌ها دست به گریبان است.

بیشترین نمود مصرف‌گرایی در جامعه تجمل‌گرای امروز، در برگزاری برخی مراسم دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به اسراف در مجالس سوگواری اشاره کرد.

در گذشته، برگزاری مراسم سوگواری تنها برای بزرگداشت فرد متوفی بود و اطرافیان، دوستان و خویشان با همیاری و همدردی تلاش می‌کردند از غم و اندوه بازماندگان بکاهند؛ به همین دلیل برای مثال، هیچ‌گونه غذایی در خانه متوفی طبخ نمی‌شد و دوستان و خویشان وظیفه خود می‌دانستند که برای خانواده متوفی غذا تدارک ببینند. اما امروزه برگزاری مجالس

سوگواری تبدیل به دغدغه‌ای بزرگ برای بازماندگان شده و هزینه فراوانی را به خانواده‌ها تحمیل می‌کند. تدفین متوفی، تهیه و تدارک ملزومات مراسم برای مهمانان، هزینه برگزاری مراسم در تالار، چاپ آگهی‌های تسلیت و تهیه پارچه‌نوشته‌ها و دسته‌های بزرگ گل، رفته رفته

جایگزین سنت‌های قدیمی شده و کارکرد دلجویی، همدردی و همیاری را تا حدودی از بین برده است حال آنکه این مفاهیم، همگی از ملزومات زندگی هستند و جامعه امروز، خلأ آنها را به خوبی احساس می‌کند. بنابراین، مطالعه در حوزه‌هایی که آرامش را به جامعه بازمی‌گردانند، از دغدغه‌های برنامه‌سازی در رسانه



است. مقاله حاضر نیز در صدد است آداب و سنت‌هایی را به جامعه معرفی کند که فرهنگ جامعه را اعتلا می‌بخشند و به آن تحرکی معنوی می‌دهند.

آیین سوگواری در مناطق مختلف کشور

در گذشته، آداب و رسوم سوگواری در مناطق مختلف ایران، با سه مقوله همیاری، خیرات و نوعید ارتباط تنگاتنگ داشت.

همیاری: همیاری، نماد وحدت و همدلی اعضای خانواده در برپایی آیین‌ها و آداب مختلف بود. در مراسم سوگواری، بستگان و خویشان، با هم‌تی بلند، بسیاری از هزینه‌های برگزاری مراسم و همچنین دیون متوفی را متقبل می‌شدند و به این ترتیب، خانواده داغدار را یاری

می‌کردند. این رسم، به سبب جمعی بودن و مشورت با بزرگان، نوعی ویژگی اجتماعی داشت. رسم همیاری در «مجالس ترحیم» را می‌توان به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد. در همیاری معنوی، حضور و همدردی دوستان و اقوام، تسکین‌دهنده آلام بود. رفت و آمد و ابراز همدردی از جانب اطرافیان، این نوع از همیاری را شکل می‌داد. همیاری‌های مادی نیز عبارت از تهیه و تدارک ملزومات مورد نیاز خانواده‌های عزادار بود که در زیر به برخی از انواع آن در مناطق مختلف کشور اشاره می‌شود:

در لار، از ابتدای مراسم سوگواری، همسایگان و خویشان تا مدت یک هفته، غذای خانواده عزادار و خیرات را تهیه می‌کردند. (اعظمی، لار، ۱۳۵۴)

در آباد، مخارج کفن و دفن و سایر هزینه‌های متوفی را یک نفر از بستگان نزدیک تقبل می‌کرد. اگر متوفی دارایی یا اندوخته‌ای داشت، هزینه‌ها زیر نظر این فرد صرف می‌شد. (رنجبر، آباد، ۱۳۵۰)

در سیوند از توابع شیراز، بستگان، برای متوفی سه روز مجلس ترحیم می‌گرفتند و اگر وصیت‌نامه‌ای داشت، براساس آن مخارج و هزینه غذای این سه روز را تأمین می‌کردند. در مرودشت، اقوام برای تسکین آلام بازماندگان، هر یک بسته به وسع مالی و توانایی خود، با آوردن اقلامی، به صاحب عزا کمک می‌کردند. برای مثال، عده‌ای با آوردن یک رأس گوسفند، مقداری برنج و روغن، لوازم پذیرایی از مهمانان را مهیا می‌کردند. (روانبندی، مرودشت، ۱۳۷۸)

در اسلام‌آباد غرب، آشنایان و وابستگان از راه‌های دور و نزدیک برای شرکت در مراسم پرسه (porse) یا عزاداری می‌آمدند و برای همیاری با خانواده متوفی، اقلامی به نام پرسانه (porsâne) مانند گوسفند، روغن، برنج و شکر می‌آوردند. (جلالی، اسلام‌آباد غرب، ۱۳۴۸)

در بهبهان، بازماندگان را تنها نمی‌گذاشتند و آنان را به خانه یکی از نزدیکان می‌بردند تا روز اول را در آنجا بمانند. همچنین پس از چهلم، اگر متوفی قرضی به گردن داشت، با

همیاری یکدیگر آن را می‌پرداختند و گوسفندی برای او قربانی می‌کردند. (وحیدیان، بهبهان، ۱۳۴۹)

در قزوین، دوستان و آشنایان اجازه نمی‌دادند که خانواده متوفی برای احسان کردن یا خیرات، خرجی بدهند و تمام هزینه‌ها بین آشنایان تقسیم می‌شد. (مافی، قزوین، ۱۳۵۰)

در حسین‌آباد ملایر، در شب دوّم، چند نفر از خیرین برای پذیرایی از مردم گوسفندی را سر می‌بریدند و آرد گندم را بین خانواده‌های خود پخش می‌کردند تا نان بپزند. روز دوّم این نان‌ها را جمع می‌کردند و تحویل صاحب عزا می‌دادند؛ قسمتی از این نان متعلق به خانواده صاحب عزا بود و بقیه، برای پذیرایی از مهمان‌ها استفاده می‌شد. (عبدلی، ملایر، ۱۳۴۶)

در یزد، پس از مراسم تدفین، مردم در خانه متوفی پذیرایی می‌شدند. هزینه این مراسم و انجام کارهای مربوط به آن، بر عهده آشنایان (و نه خانواده متوفی) بود. (مجیبیان، یزد، ۱۳۴۷)

در کهگیلویه نیز پس از پایان مراسم هفت، حاضران مقداری وجه نقد را داخل پاکتی می‌گذاشتند و تحویل یکی از بستگان متوفی می‌دادند. این کار صرفاً به این دلیل بود که خانواده عزادار پس‌انداز کوچکی داشته باشند و بتوانند بار دیگر چرخ زندگی را به گردش درآورند. (طوفانی، کهگیلویه، ۱۳۶۸)

در گرمسیر کهگیلویه نیز بستگان و خویشانی که از راه دور می‌آمدند با خود مقداری وجه نقد می‌آوردند و آن را روی قالیچه‌ای که بر روی مزار پهن شده بود قرار می‌دادند. (موسوی‌نژاد، کهگیلویه، ۱۳۵۶)

در الشتر پیش از آنکه مردم از سر خاک برگردند، چند نفر از دوستان و همسایگان در خانه خود غذا می‌پختند و از مردم پذیرایی می‌کردند. همچنین در مراسم فاتحه‌خوانی روز سوّم، مردم مقداری پول نقد که به آن پرسانه (porsâne) می‌گفتند، به یکی از نزدیکان متوفی می‌دادند. (صفوند، الشتر، ۱۳۵۳)^۱

۱. بیژن پور، کوهدشت، ۱۳۴۶ / بهاروند، خرم‌آباد، ۱۳۴۹ / حسینی، درود، ۱۳۵۱

در نخجیر لاهیجان، پس از مراسم تدفین هر کس به اندازهٔ وسع مالی خود غذایی آماده می‌کرد و به مسجد می‌برد. (فرمانبردار، لاهیجان، ۱۳۵۰)

در کورد سمنان نیز رسمی به نام «شام خوری» رواج داشت به این ترتیب که تا روز چهلم، نزدیکان و بستگان خانوادهٔ متوفی را تنها نمی‌گذاشتند و هر روز عصر، چند نفر از آنها مقداری برنج، روغن و سایر اقلام مورد نیاز را به خانهٔ متوفی می‌فرستادند و شام را با آنها صرف می‌کردند مقداری از این اقلام را نیز برای استفاده در خانهٔ متوفی باقی می‌گذاشتند. (قریشی، سمنان، ۱۳۸۰)

در گرمسار هر یک از خویشان و آشنایان، جداگانه تنگ شربتی درست می‌کردند و به همراه مقداری قند، جعبه‌ای شیرینی و حلوا بر سر مزار می‌بردند. پس از روز چهلم نیز تمام فامیل جمع می‌شدند و زنان برنج مفصلی آماده می‌کردند و پس از مراسم فاتحه‌خوانی و زیارت مزار از مدعوین پذیرایی می‌کردند. (دادو، گرمسار، ۱۳۴۹)

در دهدشت، پس از مراسم دفن، اقوام نزدیک متوفی، کلیهٔ افراد حاضر را به صرف غذا دعوت می‌کردند. اشخاصی که از راه‌های دورتر می‌آمدند، در خانهٔ بستگان ساکن می‌شدند. مدعوین هم هر کدام به همراه خود، مقداری وجه نقد، قند، چای یا گوسفند می‌آوردند. (آقاجری، دهدشت، ۱۳۶۱)

همیاری معنوی یکی دیگر از آداب و رسوم برگزاری مجالس ترحیم بود که طی آن، خویشان و وابستگان متوفی به خانهٔ صاحب عزا می‌آمدند، به آنها سرسلامتی می‌دادند و در برگزاری مراسم سوگواری کمک می‌کردند.

در مرودشت، پس از چهل روز، یک نفر از بزرگان محل، پایان مراسم سوگواری را اعلام می‌کرد و آشنایان، هر یک از بازماندگان را به تناسب شغلی که داشتند، در روز اول، به محل کار خود می‌بردند و از روز بعد، زندگی عادی شروع می‌شد. (روانبندی، مرودشت، ۱۳۷۸)

در خرم‌آباد نیز پس از مراسم هفت و پس از بازگشت از مزار، مردم جلوی مسجد

جمع می‌شدند و به صورت دو صف می‌ایستادند و بازمانده را تا محل کار مشایعت می‌کردند. تا روز چهلم نیز بازماندگان مرحوم را نزد خود می‌بردند و از آنها پذیرایی می‌کردند. (شادابی، خرم‌آباد، ۱۳۴۸)

امروزه نیز در برخی نقاط، هنوز مرسوم است که بستگان و آشنایان وقتی خبر فوت یکی از بستگان را می‌شنوند، به دیدار خانواده سوگوار می‌روند، در غم و اندوه آنها شریک می‌شوند و برخی هزینه‌ها را بر عهده می‌گیرند.

در بستان‌آباد، همسایگان اولین شب خاکسپاری را که شام غریبان نام دارد، با همیاری یکدیگر آماده می‌کنند و از افرادی که از راه‌های دور آمده‌اند، پذیرایی می‌کنند. (فلسفی میاب، ۱۳۸۰: ۳۵۱)

در سراوان، پس از پایان مراسم هفت، آشنایان مقداری وجه نقد را جمع‌آوری می‌کنند و به خانواده سوگوار می‌دهند. برخی نیز به جای پول، گندم، آرد و برنج برای خانواده سوگوار می‌آورند. (برآبادی، ۱۳۷۴: ۲۴۱)

در چابهار، پس از ختم، مراسمی به نام «ونده» (wanda) برگزار می‌شود که طی آن آشنایان مبلغی پول یا مقداری خوراکی به بازماندگان می‌دهند. میزان ونده بستگی به قدرت مالی و نسبت خویشاوند با متوفی دارد. (گلدی ضمیر، ۱۳۷۶: ۲۸۸)

در بسیاری از نقاط نیز مرسوم است که دوستان و اقوام برای کمک به خانواده سوگوار، اقلام روزانه و مقداری وجه نقد را به بزرگ خانواده می‌دهند.

گاهی نیز غذای سه روز اول را همسایگان آماده می‌کنند و لوازم آشپزی را از افراد متمکن که این اقلام را به منظور کارهای خیر خریداری کرده‌اند، می‌گیرند. (افشارسیستانی، ۱۳۷۸: ۳۳۸)

امروزه جز در مراکز روستایی این رسم جایی دیده نمی‌شود و همیاری‌ها بیشتر در حد «گفتن تسلیت» و شرکت در مراسم است.

خیرات: به طور معمول، پس از به خاکسپاری متوفی، خانواده عزادار یا بستگان و آشنایان،

با همیاری یکدیگر حلوا، خرما، شیرینی یا غذایی تدارک می‌دیدند و به طلب مغفرت و آمرزش روح در گذشته احسان و خیرات می‌کردند.

این عمل بیشتر در شب‌های جمعه و اعیاد مذهبی (عید قربان، عید فطر، عید غدیر) انجام می‌گرفت و در برخی از ماه‌ها مانند رجب، شعبان و رمضان، مراسم خیرات برپا می‌شد که البته بستگی به وسع مالی و بضاعت خانواده عزادار داشت. پس از مراسم سالگرد نیز بر سر مزار گرد می‌آمدند و با فرستادن صلوات یا دعاهای مذهبی و تقسیم شیرینی‌های عزا در بین مردم، برای در گذشته، از خداوند طلب خیر می‌کردند.

درواقع، خانواده‌های عزادار سعی می‌کردند با توجه به موقعیت اجتماعی و امکان مالی خود برای متوفی خیرات کنند. اگر وسع مالی خوبی نداشتند، از برگزاری مراسم (هفتم و چهلم) خودداری می‌کردند و هزینه این مراسم را صرف تدارک خیرات و مبرات برای تازه در گذشته می‌کردند. در این میان، تعاون و همیاری وابستگان و اقوام متوفی برای نذورات و خیرات و کمک به خانواده عزادار بسیار نمایان بود. به طور معمول، در اعیاد مذهبی، خیرات می‌شد و این کار به آرامش و تسلی خانواده داغدار کمک می‌کرد.

در روایات اسلامی، به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «برای مرده هیچ زمانی سخت‌تر و دشوارتر از شب اول دفن او نیست. پس با صدقه مردگان خود را مورد ترحم قرار دهید.» امروزه نیز رسم خیرات در مراکز شهری و روستایی دیده می‌شود و هر کس در حد توان اقتصادی خود برای در گذشته، خیرات می‌کند.

نوعید: مرسوم بود که با فرارسیدن اولین عید مذهبی (عید قربان، فطر، غدیر) یا عید نوروز، جمعی از بزرگان و اقوام به دیدار خانواده عزادار می‌رفتند و آنها را از عزا بیرون می‌آوردند. به طور معمول، در نوروز، خانواده‌های عزادار سفره عید خود را در کنار مزار متوفی می‌انداختند و برخی در خانه به انتظار آمدن اقوام و بستگان می‌نشستند. نوعید به معنای عیدمبارکی و تمام شدن عزا برای خانواده عزادار بود.

در تنکابن مرسوم بود که هنگام رسیدن عید نوروز اقوام و بستگان و خانواده متوفی بر سر

مزار او جمع می‌شدند و برایش خیرات می‌دادند، سپس به خانه متوفی می‌رفتند و عید مبارکی می‌گفتند. اگر از «سال» گذشته بود؛ خانواده متوفی جامه‌ عزا را از تن خارج می‌کردند. (نیک‌دوست، تنکابن، ۱۳۴۹)

در اندیمشک چند نفر از اعضای خانواده متوفی، پارچه‌های رنگی تهیه می‌کردند و پس از سالگرد، در اولین عید، به دیدار خانواده‌اش می‌رفتند. به طور معمول، این کار در عید فطر یا عید قربان انجام می‌گرفت. (گرمسیریان، اندیمشک، ۱۳۸۱)^۱

در ابهر و قزوین، اولین عید که فرا می‌رسید؛ بستگان برای دیدار خانواده متوفی به منزل او می‌رفتند و سرسلامتی می‌دادند. برای زنان روسری رنگی و برای مردان پیراهن سفید خریداری می‌کردند و آنها را از عزا بیرون می‌آوردند. (نظامی، ابهر، ۱۳۴۸ و چتگیر، قزوین، ۱۳۴۸)

در آبادۀ فارس مرسوم بود که وقتی کسی فوت می‌کرد، صاحب عزا اجاق خانه خود را به علامت عزاداری خاموش می‌کرد. زمانی که عید یا جشن عروسی بین اهالی یا در همین خانواده پیش می‌آمد، چند نفر از معتمدان محل، اجاق خانه را دوباره روشن می‌کردند. (بهرامی، آبادۀ، ۱۳۵۲)

همچنین خویشان و نزدیکان برای برگزاری نوعید، مقداری گلاب و شیرینی خانگی تهیه می‌کردند و روز عید به دیدار خانواده صاحب‌عزا می‌رفتند و برای متوفی طلب آمرزش می‌کردند. (رنجبر، آبادۀ، ۱۳۵۰)

امروزه رسم نوعید، یعنی دیدار خانواده‌های عزادار در اعیاد ملی و مذهبی، هنوز هم رواج دارد، هر چند بسیار کم‌رنگ شده و نسل‌های جدید چندان به آن پایبند نیستند. در آوردن لباس سیاه از تن خانواده‌های عزادار نیز به طور معمول، پس از چهلم و از جانب دوستان انجام می‌گیرد.

۱. در شوشتر به این رسم «پندی کنون» (pandi konun) می‌گفتند. (قره‌باغی، شوشتر، ۱۳۴۹)

بررسی مجالس ترحیم

امروزه در اغلب موارد، پرداخت هزینه‌های مربوط به برگزاری مجالس ترحیم بر عهده خانواده متوفی است (جز در برخی نقاط روستایی) و همیاری مادی به صورت گذشته دیگر به چشم نمی‌خورد. تمام همیاری‌ها در قالب شرکت در مراسم عزاداری متجلی می‌شود چنان‌که شاید بتوان گفت گفتمان مسلط بر ارزشگذاری، بر این مراسم نیز تأثیرگذار بوده است؛ به این ترتیب که همیاری مادی، نوعی سنت روستایی تلقی شده و در مراکز شهری به تدریج از میان رفته است. همچنین مراسم سوگواری ساده نیز براساس همین گفتمان، بیشتر جنبه نمایشی یافته و به ابزاری برای کسب منزلت اجتماعی تبدیل شده است. حال آنکه همیاری مادی دوستان و آشنایان خود به تعدیل هزینه‌ها و برگزاری ساده مراسم کمک می‌کند زیرا شرکت‌کنندگان خود عضوی از برگزارکنندگان می‌شوند و به این ترتیب، توقع از برپایی مراسم به حد معقولی کاهش می‌یابد.

افراد با وارد کردن تشریفات و تجملات به مراسم سوگواری، متحمل هزینه‌های سنگینی می‌شوند که نه تنها کارکرد مثبت اجتماعی ندارد بلکه با فراهم آوردن زمینه رقابت‌های نادرست، به مصرف بی‌رویه و نمایشی دامن می‌زند. در این زمینه، باید به انتظارات اجتماعی نیز توجه داشت که نحوه برگزاری این مراسم و امکانات مبتنی بر آن را ارزشگذاری می‌کند و به برگزارکننده، نوعی تأیید اجتماعی می‌بخشد.

شاید اگر به تدریج، چنین شیوه‌ای در سطوح مختلف تقبیح شود و به طور مداوم شیوه‌های مناسب را گوشزد کنند، شاهد کاهش این رویه در جامعه باشیم. نمایش برگزاری ساده مراسم از سوی قشر متوسط و بالای جامعه، به بازگشت این مراسم به روح اصلی خود کمک می‌کند. گاهی هزینه برپایی مراسم سوگواری، صرف کمک به مؤسسات خیریه، بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی می‌شود و سپس مراسم ساده‌ای با حضور اقوام نزدیک متوفی برپا می‌گردد. تبلیغ این شیوه برگزاری نیز شاید بتواند در کاهش هزینه‌های حاشیه‌ای چنین مراسمی مؤثر باشد و در

طول زمان، آن را تبدیل به یک عرف یا سنت (همچون گذشته) کند و مصرف مسرفانه را در برپایی این آیین کاهش دهد.

در گذشته، با فرارسیدن اولین عید مذهبی یا عید نوروز، اقوام و بستگان سعی می‌کردند خانواده داغدار را از عزا بیرون بیاورند. به همین منظور، بزرگان خانواده، پارچه، روسری و لباس‌های رنگارنگی را که خود بافته یا خریداری کرده بودند، به خانه صاحب‌عزا می‌بردند اما امروزه با کم‌رنگ شدن نقش مشارکت در مراسم عزاداری، فقط بستگان نزدیک، به دیدار خانواده متوفی می‌روند و با خرید شال یا روسری برای خانم‌ها و پیراهن برای آقایان، به آنها سرسلامتی می‌دهند و رخت عزا را از تن عزاداران بیرون می‌کنند.

امروزه به دلیل نبود مشارکت فعال در برگزاری مراسم، این نوع برگزاری در حال از بین رفتن است حال آنکه می‌توان با تعریف کارویژه‌های جدید یا جایگزینی برخی سنت‌ها و آداب روز، کارکردهای سنتی این آیین‌ها را احیا کرد. مشارکت فعال در برپایی مراسم، علاوه بر حمایت معنوی، حمایت مادی را نیز به دنبال دارد که از نتایج مثبت آن می‌توان بهره‌های بسیار برد.

در سال‌های اخیر، روند صعودی چشمگیری در هزینه برگزاری مراسم دیده می‌شود که تبعات منفی بسیاری در پی داشته است. تجمل‌گرایی و پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور، نابهنجاری‌های بسیاری را در جامعه ایجاد کرده است. شاید یکی از تبعات منفی چنین رفتاری، زیر بار دین رفتن خانواده‌های عزادار به لحاظ مادی باشد که خود معضلات و مشکلات بسیاری را در جامعه ایجاد می‌کند. چنین هزینه‌هایی، برخلاف آموزه‌های دینی و سنت‌های اصیل ما ایرانیان است.

امروزه اسراف یا مصرف بی‌رویه و نمایشی، به نحو چشمگیری در مجالس ترحیم دیده می‌شود. در گذشته، این مراسم نوعی ادای احترام به درگذشتگان بود و به منظور همدردی با بازماندگان و دلجویی از آنان برگزار می‌شد. اما امروزه ارزش‌هایی مانند تکریم و احترام به

متوفی جای خود را به تجملاتی همچون تالارهای گران‌قیمت، دسته‌گل‌های بزرگ، ترمه و انواع سنگ‌های گران‌داده است که در اغلب موارد، منجر به کم‌توجهی به فرد درگذشته می‌شود.

تکریم و تدفین مناسب میّت، یک امر الهی، معنوی و ارزشی در جامعه است که امروزه دستخوش تجمّل و اسراف شده است. درواقع، بیماری اسراف و تجمّل‌پرستی، به این مسئله هم سرایت کرده و آن را از مفاهیم ژرف و عمیق تهی ساخته است.

هزینه‌هایی که برای برگزاری مجالس ترحیم از سوی بازماندگان پرداخت می‌شود، یکی از نمونه‌های اصلی این موضوع به شمار می‌رود. برای مثال، در بعضی شهرها و طبقات اجتماعی برخی رویه‌های نادرست به افزایش این هزینه‌ها دامن زده است؛ مانند نوع آمبولانس حمل جنازه، دفن میّت در قطعه‌های گران‌تر گورستان‌ها، پذیرایی از مهمانان در رستوران‌های مشهور، ترمه و دسته‌گل‌های بزرگ، سفارش حلوا به قنادی‌های معروف، تزیین خرما با انواع مغزها و گل‌های گران‌قیمت و نوار و تور، استفاده از سینی‌های سیلور، پذیرایی با انواع میوه‌ها، شیرینی و شربت، سنگ قبر گرانباز برزیلی یا یونانی (www.jamejamonline.ir) که نشان می‌دهد خودنمایی تا چه اندازه به این مجالس راه پیدا کرده است.

به نظر می‌رسد این اسراف در شهرستان‌ها کمتر است اما نسبت به گذشته، در این مناطق هم تغییری به وجود آمده که بسیاری از سنت‌های نیکوی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. آنچه در مراسم سوگواری به عنوان همیاری مطرح شد و در گذشته رواج بیشتری داشت و امروزه به سوی کم‌رنگ‌شدن می‌رود، نشان دهنده یک دوره گذار و تغییر از روال اجتماعی به سوی فردیت است. این فردی شدن زندگی اجتماعی باعث تنهایی و فاصله انسان‌ها از یکدیگر شده است. چنین وضعیتی بویژه در شرایط بحرانی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به افراد می‌زند. به عبارت دیگر، از میان رفتن ساز و کارهای همدردی، افراد را در طول زمان با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند.

در گذشته فوت یک فرد، باعث حزن و اندوه تمام روستا یا منطقه می‌شد. در چنین جوامعی، افراد یکدیگر را می‌شناختند و این آشنایی نزدیک، زمینه را برای همدردی تمامی اعضای جامعه فراهم می‌کرد. اما با گسترش شهرها، افراد به تدریج از یکدیگر دور شده‌اند و این دوری، علقه‌ها و تعلقات را بسیار کمرنگ کرده است. خانواده‌ها کمتر با یکدیگر تعامل دارند و شکلی از دوری‌گزینی در جامعه در حال نهادینه شدن است.

این دوری و فاصله‌گیری، امکان همیاری را کاهش می‌دهد. در گذشته، مردم فقط برای عرض تسلیت به سراغ خانواده سوگوار نمی‌رفتند، بلکه برای مشارکت در برگزاری مراسم این کار را انجام می‌دادند. از این رو، بردن کالا یا دادن نقدینه برای کمک به برگزاری مراسم، نوعی عمل اجتماعی و مشارکت فعال محسوب می‌شد و به این ترتیب، مصرف، مساوی با مشارکت و همکاری اجتماعی بود. اما امروزه اگر کسی بویژه در مراکز شهری، اقدام به چنین کمک‌هایی بکند، شاید خانواده سوگوار، تلقی مثبت و مناسبی از این رفتار اجتماعی نداشته باشند.

در گذشته، هزینه‌های برگزاری مراسم، فشار چندانی به خانواده سوگوار تحمیل نمی‌کرد و حتی کسانی که در شرایط مالی مناسبی نبودند، با کمک دوستان، اقوام و آشنایان، مراسم سوگواری آبرومندی برگزار می‌کردند. اما امروزه، اگر با توجه به هزینه‌های سرسام‌آور، خانواده داغدار، امکان برگزاری مراسم را نداشته باشند، ناچارند بسیار بی‌سر و صدا و با تحمل دغدغه‌های فراوان مراسم را برگزار کنند.

توجه به این نکات نشان می‌دهد که در گذار از گذشته به سوی وضعیتی کنونی، هیچ اقدامی برای کاهش هزینه‌های مراسم اجتماعی صورت نگرفته و فردیت و ماشینی شدن زندگی اجتماعی نیز امکان همیاری‌های گذشته را از بین برده است. مجموع این عوامل، شرایطی را به وجود آورده که بر بعد مصرفی مراسم افزوده و هزینه برپایی آن را چندین برابر کرده است. این وضعیتی نشان می‌دهد که پدیده مصرف‌گرایی تا جایی رواج یافته که حتی مجالس ترحیم و بزرگداشت درگذشتگان را نیز دربرگرفته است.

جمع‌بندی

به طور کلی، مراسم سوگواری که با حضور اقوام، بستگان و دوستان صاحب‌عزا برگزار می‌شود، تا حدودی به تسکین درد و آلام خانواده داغدار کمک می‌کند. در گذشته مردم مشارکت بیشتری در برگزاری این مراسم داشتند و به طور معمول، طی این مراسم بود که بزرگان و ریش‌سفیدان در جریان امور معیشتی و اقتصادی خانواده سوگوار قرار می‌گرفتند و به این ترتیب می‌توانستند با همیاری یکدیگر به آن خانواده کمک کنند. از طریق همیاری، بسیاری از هزینه‌های برگزاری مراسم تقسیم می‌شد و در امر مصرف نیز مدیریت لازم صورت می‌گرفت. برای ادای چنین رسمی، در مناطق مختلف شیوه‌های گوناگونی رواج داشت. برای مثال، غذای خانواده صاحب‌عزا تا چند روز تأمین می‌شد و هزینه‌های مختلف مراسم و حتی دیون متوفی را اقوام و اطرافیان پرداخت می‌کردند.

امروزه روح برگزاری مراسم سوگواری تغییر یافته و به یک معضل اساسی برای صاحبان‌عزا تبدیل شده است. به عبارت دیگر، مفهوم ژرف این مراسم که همان تسکین آلام خانواده داغدار است کمرنگ شده و به جلوه‌ای از مصرف‌نمایی و کسب منزلت اجتماعی در جامعه تغییر یافته است. شاید احیای برخی از سنت‌های پسندیده گذشته، مانند «همیاری» مادی و معنوی بتواند بخش عمده‌ای از تجملات و مصرف‌گرایی پدید آمده در مراسم عزاداری را مدیریت و کنترل کند. امروزه دغدغه پرداخت هزینه‌های خرید قبر و سنگ، ولیمه، آگهی‌های تسلیت، پارچه‌نوشته‌ها و سایر موارد باعث شده است مفهوم اصلی برگزاری مراسم تحت‌الشعاع قرار گیرد. در واقع، این هزینه‌ها علاوه بر غم و اندوه از دست دادن فردی از اعضای خانواده، غم و اضطراب دیگری را نیز بر بازماندگان متوفی تحمیل می‌کند و آن هزینه هنگفتی است که باید پرداخت شود.

با توجه به اینکه امروزه همچون بسیاری از آیین‌ها، کارکردهای مراسم سوگواری همچون همدردی، همیاری و مشارکت دچار تغییر و تحول شده، لازم است برای بازگشت به این کارکردها، آداب و سنت‌های گذشتگان در قالب‌های مختلف به جامعه بازنمایانده شود.

منابع

الف) کتاب

۱. افشارسیستانی، ایرج (۱۳۷۸) شناخت استان هرمزگان، تهران: هیرمند.

ب) پژوهش

۱. برآبادی، سیداحمد با همکاری خداداد مزارعیان (۱۳۷۴) «مردم‌نگاری شهرستان سراوان»، منوگرافی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
۲. فلسفی میاب، علی با همکاری مریم ابوالفتحی (۱۳۸۰) «مردم‌نگاری شهرستان بستان آباد»، منوگرافی، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳. گلدی ضمیر، آمان (۱۳۷۶) «مردم‌نگاری شهرستان چابهار»، منوگرافی، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور.

ج) اینترنت

«اسراف در مراسم» رؤیت شده در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۸ <http://www.jamejamonline.ir>

فرهنگیاران

- آقاجری، بی‌نام، دهدشت، کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۶۱
اعظمی، عبدالله، خنج، لار، فارس، ۵۴/۷/۲۵
بهاروند، حجت‌الله، تلوری، ویسیان، خرم آباد، لرستان، ۴۹/۴/۴
بیژن‌پور، محمد، کوه‌دشت، لرستان، ۴۶/۴/۲۴
جلالی، محمدرضا، [ایل کلهر]، اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه، ۴۸/۸/۱۴

- چتگیر، رفعت، قزوین، ۴۸/۱۰/۲۰
- حسینی، سیدجواد، چالانچولان، لرستان، ۵۱/۶/۱۰
- دادو، گیتی، ارادان، گرمسار، سمنان، ۴۹/۶/۱۶
- رنجبر، حسین، ایزدخواست، آباءه، فارس، ۵۰/۱۰/۲۰
- روابندی، نصرالدین، کناره، مرودشت، فارس، ۷۸/۱۲/۲۹ و ۸۱/۴/۱ و ۸۱/۳/۱۱
- شادابی، سعید، خرم آباد، لرستان، ۴۸/۳/۱۸
- صفوند، محمود، الشتر، سلسله، لرستان، ۵۳/۱۱/۳
- طوفانی، احتشام، قلعه دختر، دشمن‌زیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ۶۸ / ۷ / ۲۶
- عبدلی، مراد، حرم رود سفلی، سامن، ملایر، همدان، ۴۶/۸/۱۴، ۵۰/۷/۱۴ و ۵۰/۸/۲۶
- فرمانبردار، علی، نخجیرکلاویه، لاهیجان، گیلان، ۵۰/۶/۱۶
- قره‌باغی، سهراب، شوشتر، خوزستان، ۴۹/۹/۹
- قریشی، سیدمرتضی، کاورد، سمنان، ۸۰/۸/۸
- گرمسیریان، محمد، قیلاب و مازو، الوار گرمسیری، اندیمشک، خوزستان، ۸۱ / ۵ / ۲۰
- مافی، توران، قزوین، ۵۰/۹/۱۲
- مجیبیان، هاجر، یزد، ۴۷/۱۰/۱۱
- موسوی‌نژاد، سید علی‌قنبر، سوق، گرمسیری جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، ۵۶/۲/۱۶
- نظامی، رضا، ابهر، زنجان، ۵۰/۱۱/۳
- نیک‌دوست، محمدعلی، نورالدین‌محله، گلیجان، تنکابن، مازندران، ۵۱ / ۹ / ۲۰
- وحیدیان، بندر، بهبهان، خوزستان، ۴۹/۱۰/۵



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی